

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم استاد از جان عزیزترم سلام عليكم و رحمة الله و برکاته: جانانم قصد اطاله کلام و تصدع اوقات ندارم. این روزها حس و حال عجیبی دارم، طوری که بعضی وقت ها احساس می کنم خیلی زود است که سخته کنم، موهایم به طرز عجیبی و بسرعت در حال سپید شدن می باشد و خواب و خوراک ندارم. تمام این موارد علتی جز وضعیت این روزهای اقتصاد مملکت اسلامی ندارد، در حالی که خدا شاهد است که ذره ای نگران این نیستم که مخارج زندگیم کفاف ندهد یا اینکه تجارتي که ندارم به ضرر و زیان مبتلا شود و ذره ای نگران این قبیل موارد و گرفتاری ها نیستم اصلا نمی دانم نگران چه هستم و نمی دانم از چه این چنین برآشفته و مشوش هستم؟! سوالم این است که حقیر می دانم که باید آرامش داشت این روزها و باید با توکل به خدا و نگاه به افق روشن انقلاب اسلامی این روزها را پشت سر گذاشت! حتی دیگران را به این موضوع سفارش و توصیه می کنم. اما احساس نفاق و مظلوم نمایی می کنم از عنوان کردن این موضوعات این حس و حالات را چگونه باید تفسیر و حلاجی کنم و برای رهایی از آنها و این احساس نفاق چه باید بکنم. استاد عزیز حقیقتاً قلب من درون سینه شما می تپد و این ها حوالی یک جسم بی جان و یک روح پریشان در جریان است. شما را به حقیقت لبخند آقا ابا عبدالله الحسین علیه السلام در کنج گودال قتلگاه قسم میدم نظر لطفی به حقیر داشته باشید و در دعاهای گاه و بیگاه تان بی نصییم نگذارید. والسلام عليكم و رحمة الله و برکاته

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام عليكم: بنده دعاگو خواهم بود. بگذارید تجربه‌ی این دلهره نیز برای شما پیش آید. مثل دلهره‌ی حمله‌ی صدام که برای نسل آن دوره پیش آمد و معلوم شد عطیه‌ی انقلاب اسلامی آغازی است که همچنان پایدار خواهد ماند. موفق باشید